

ای اسیر سبیل الهی تفصیل واقعه موله و حوادث مزجه

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



ای اسیر سبیل الهی تفصیل واقعه موله و حوادث مزجه حضرت عبدالبهاء ، محاضرات جلد

۱ صفحه ۴۹

هوالاهی

ای اسیر سبیل الهی تفصیل واقعه موله و حوادث مزجه یعنی فاجعه اردبیل و مشقت سبیل و زحمت سلاسل و زنجیر کل متلو و مسموع و مذکور و معلوم گردید مسطور مفصل مشروح که ترجمان وقایع معهود و باقا میرزا شعاع الله مرقوم نموده بودند قرائت و تلاوت گردید خوشت مهمانیهای مکل و ماندهای مفصل بود فیما مانشتهی الانفس و تلذبه الاعین هنبثا مرینا گوارا و سازگار باد ملای روی میگوید "نفس مومن اسغری آمد یقین یعنی از ضرب چوب و چماق و دکتک لایطاق فریه و سمین و سفید رخ و سمین بدن گردد و باین عیش مهیا سفره مهیا وقت تشریف بردن شما اشاره و ایما شد البته فراموش نفرمودید حال الحمدالله در وعد وفا از درد صفا پیدا شد ای یار دیرین چرا آنقدر بی انصاف و بی‌دین بودی جمیع این اطعمه لذیذه و مانده‌های لطیفه را تنها خوردی و هیچ بیاد این رفقا فقرا نیفتادی آیا این شرط وفاجوئی و خوشخوئی و دلجوئی بوده یا بیاد این فتاده خاک بیز - چونکه خوردی جرعه‌ای بر خاک ریز باری علی العجابه تو گوی سبقت ربودی و جام موهبت نوشیدی تا ببینیم ماچه خواهیم کرد لکن من و جمیع دعوا داریم..... نفوسیکه از صهای الهی مست و مخورند و در دفتر دانائی مسطور مستوری نخواهند و مهجوری نتوانند شهره آفاق شوند و واله و شیدا گردند جام بلا جویند و راه وفا پویند چون در دانه موهبت در اغوش صدف سخت پرورده کردند و چون ذهب ابریز در تاب و تب آتش رنگ دلپذیر یابند و لب از شکرانه لبریز کنند گاهی در طوفان اعظم بلا چون حضرت نوح کشتی رانند و گهی وقت هبوب صرصر قضا چون حضرت هود قرار و سکون یابند وقتی چون جمال خلیل جلیل در نایره جفا رخ برافروزند و زمانی در شدت سورت علی و اسقام چون حضرت ایوب از حرارت تب زار زار بسوزند گاهی چون حضرت یوسف زنجیر و سلاسل زندان را در عشق جمال رحمن طوق زین و حمایل سلطنت علین سازند و گهی چون یحیی حضور سربازند و دی چون عیسی مریم بفقیر و درد و غم هدم کردند و سر بر سردار برافرازند و گاهی چون حبیب محبوب صدهزار جفا تحمل نموده عاقبت مسموم عروج برفیق اعلی نمایند و گهی چون هزیر صائب اسدالله الغالب با سری شکافته رخی شکفته کنند و زمانی چون شهید مظلوم نیر ساطع مشهور معلوم لب تشنه در راه خدا در صحرای کرب و بلا جان بازند باری وقایع بسیار نهایت ندارد اینست صفت عاشقان جمال ذوالجلال و سمت مدھوشان جام محبت رحمن در ترکی میگوید "حسینی مشرب اول بیرجان ایچور خوف و رجادن کج" فضای کربلای عشقه وار - مردانه مردانه قسم بجمال مبارک روحی لاجبائه الاسرا فدا که آرزوی آن صدمات و بلیات مینمومدم باری وقت جانبازی و جان نثاری و سرمستی و هوشیاری و بیداری و گریه و زاری است که انشاءالله بعون جنود ملا اعلی و تائیدات متابعه از ملکوت ابری جهان و جهانیان را زنده نمود و عالم را قص جدیدی بخشید و بنفحات قدس شرق و غرب را معطر و بانوار ساطعه از شمس حقیقت آفاق را منور نمود والها علیک و علی من ابلی فی سبیل الله محبوب العارفين.

ع ع



ORIGINAL